

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا بسم الله از جمله سوره فاتحه محسوب می‌شود؟

(ترجمه)

به جواب بکر ساعد

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته و مغفرتہ!

از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم که شما را به تمام خیرها مؤفق گرداند و او صاحب خیر است.

پرسش این است: وقتی علماء اجماع کردند که اگر کسی از این‌که بسم الله جزء از سوره فاتحه محسوب می‌شود، انکار کند کافر نمی‌شود؛ زیرا این مطلب به احادیث متواتر ثابت شده؛ پس چرا در بعضی از مصاحف کنونی بسم الله در اول سوره فاتحه نوشته شده است؟! آیا این مسئله با این‌که الله سبحانه و تعالی قرآن کریم را حفظ می‌کند، در تعارض قرار ندارد؟ وقتی دولت اسلامی انشاء الله تأسیس شود، موقف دولت اسلامی در آینده در خصوص مسایل غیر متواتر مثل ذکر سوره بسمله در اول قرآن کریم و ذکر دعاهای غیر متواتر در آخر مصحف چی خواهد بود؟ الله سبحانه و تعالی شما را برکت دهد.

پاسخ

و علیکم السلام ورحمت الله و برکاته!

قبلاً ما به تاریخ 21 ربیع الاول 1432 هـ.ق 26 مارچ 2011م در خصوص بسم الله جواب داده بودیم که در این جواب چنین آمده بود:

«نسبت به بسم الله باید گفت که بسم الله جزء از آیه سوره نمل است: ﴿إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ اما وقتی در اول سوره فاتحه و یا در اوایل سایر سوره‌ها ذکر شود، پس در این صورت اختلاف است که آیا بسم الله از جمله آن سوره به حساب می‌آید و یا این‌که تنها به عنوان فاصل بین سوره‌ها است؟ این اختلاف کدام مشکلی ندارد؛ زیرا هر دو گروه اقرار به این دارند که بسم الله الرحمن الرحیم بخش از قرآن در سوره نمل است، اختلاف تنها در وضع بسم الله در اول سوره‌ها غیر از سوره توبه است که آیا ذکر آن در اوایل سوره‌ها جزء از سوره‌ها و یا جزء از سوره فاتحه است و یا نیست ... پس تا وقتی همه اقرار داشته باشند که بسمله آیه از قرآن کریم و از سوره نمل است، اختلاف در خصوص اوایل سوره‌ها بوده و این اختلاف هیچ نوع تأثیری به جز از قرائت آن در نماز ندارد؛ به این معنی که آیا باید در نماز در اول سوره فاتحه و اوایل سوره‌های دیگر به صورت جهری و سری خوانده شود و یا خوانده نشود؟ که این اختلاف توسط مجتهدین استنباط شده و مطابق به احکام شرعی است.» ختم.

برای وضاحت بیشتر و جواب به سایر موارد که در سوال‌تان ذکر شده موارد ذیل را ذکر می‌کنم:

1- در صفحه 159 الی 160 جزء اول کتاب شخصیه آمده است: «جبرئیل تمام آنچه از قرآن است، در هر سال یک مرتبه به رسول الله صلی الله علیه و سلم قرائت می‌کرد و در آن سالی که رسول الله صلی الله علیه و سلم وفات نمودند، جبرئیل تمام قرآن را به رسول الله صلی الله علیه و سلم دو مرتبه خواند. از عائشه رضی الله عنه از فاطمه علیها السلام روایت است:

«أَسْرَ إِلَيَّ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّ جِبْرِيْلَ كَانَ يُعَارِضُنِي الْقُرْآنَ كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً وَإِنَّهُ عَارِضُنِي الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَلَا أَرَاهُ إِلَّا حَضَرَ

أَجْلِي»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم آهسته برابم گفت که جبرئیل در هر سال یک مرتبه قرآن را برابم می‌خواند؛ ولی در این سال دو مرتبه برابم خواند و من این مسئله را چیزی دیگری غیر از این که اجلم فرار سیده است، نمی‌دانم.

همچنان از ابوهریره روایت است که گفت:

«كَانَ يَعْزُضُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ الْقُرْآنَ كُلَّ عَامٍ مَرَّةً فَعَرَضَ عَلَيْهِ مَرَّتَيْنِ فِي الْعَامِ الَّذِي فُيُضِنَ فِيهِ» [بخاری این حدیث را روایت کرده است]

ترجمه: ایشان در هر سال یک مرتبه تمام قرآن را بر رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌خواند؛ ولی در این سال که وفات شدند، دو مرتبه خواند.

جبرئیل قرآن را در هر سال به رسول الله صلی الله علیه و سلم پیش می‌نمود؛ یعنی در هر سال ترتیب آیات قرآن را پیش‌کش می‌کرد و همچنان ترتیب آیات قرآن را نسبت به سوره‌ها پیش‌کش می‌نمود؛ زیرا معنای پیش‌کردن قرآن کریم به معنی پیش‌کردن جملات قرآن کریم، کلمات قرآن کریم و ترتیب قرآن کریم نسبت به یک دیگر است. همچنان امکان دارد که از این حدیث فهمیده شود که عرض ترتیب بعض سوره‌ها نسبت به بعضی دیگری صورت می‌گرفت؛ مگر احادیث صحیح دیگری به صورت صریح در خصوص ترتیب آیات آمده است؛ زیرا این احادیث در خصوص ترتیب بعضی آیات نسبت به بعضی دیگر و ترتیب آیات در سوره‌ها می‌باشند.

«ضَعُوا هَذِهِ الْآيَاتِ فِي سُورَةٍ كَذَا بَعْدَ آيَةٍ كَذَا»

ترجمه: این آیات را در فلان سوره بگذارید، بعد از فلان آیه بگذارید.

«ضَعُوا هَؤُلَاءِ الْآيَاتِ فِي السُّورَةِ الَّتِي يُذَكَّرُ فِيهَا كَذَا وَكَذَا»

ترجمه: آن آیات را در سوره‌ای که فلان چیز و فلان چیز ذکر شده بگذارید.

به این ترتیب بعضی از سوره‌ها ختم می‌شد و سوره دیگری غیر از آن شروع می‌شد و این یک امر توقیفی از جانب الله سبحانه و تعالی بود که توسط جبرئیل صورت می‌گرفت. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که گفته است:

«كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَعْلَمُ خَتْمَ السُّورَةِ حَتَّى يَنْزِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم ختم سوره را نمی‌دانستند تا این که بسم الله الرحمن الرحيم نازل می‌شد.

و در روایت دیگری آمده است:

«فَإِذَا نَزَلَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلِمُوا أَنَّ السُّورَةَ قَدْ انْقَضَتْ» (این حدیث را سنن بیهقی و ابوداود روایت

کرده)

ترجمه: وقتی بسم الله الرحمن الرحيم نازل می‌شد، می‌دانستند که سوره تکمیل شده است.

پس همه این احادیث به صورت قطعی دلالت به ترتیب آیات در سوره‌هایش و همچنان ساختار سوره‌ها با تعداد آیات و چگونه وضع آن دارد و همه ترتیب قرآن از جانب الله سبحانه و تعالی توقیفی است و این شکلی است که امت از پیامبرشان صلی الله علیه و سلم روایت کرده و این مسئله به صورت متواتر ثبت شده است...»

2- وقتی صحابه رضی الله عنهم به مصحف عثمان اعتماد کردند، بسم الله را در اول سوره فاتحه و در اوایل سایر سوره‌ها به جز سوره برائت ثابت دانستند؛ ولی واضح نبود که ذکر بسم الله در اول هر سوره یعنی سوره فاتحه و سایر سوره‌ها آیه‌ای از سوره است و یا این که بسم الله برای فصل بین سوره‌ها است؟ به همین دلیل در خصوص این که بسم الله آیه‌ای از فاتحه و یا سایر سور است، در بین علماء اختلاف پیدا شد، با وصف موجودیت این اختلاف تمام‌شان اقرار کردند که بسم الله به صورت نوشتاری در مصحفی که صحابه کرام جمع کردند، در اول سوره فاتحه و در اوایل سایر سوره‌ها غیر از سوره برائت ذکر شده، پس بسم الله چیزی نیست که در این اواخر مسلمانان آن را در اول سوره فاتحه و یا سایر سوره‌ها ذکر کرده باشند؛ بلکه بسم الله در مصحف عثمان در اول سوره فاتحه و سایر سوره‌ها به استثنای سوره برائت ذکر است و این ذکر به اساس اجماع صحابه و اتفاق شان رضی الله عنهم اجمعین صورت گرفته است.

3- در جلد 1 صفحه 234 کتاب سیوطی تحت عنوان: «الإتقان في علوم القرآن» آمده است: «الفاتحه: جمهور علما گفتند که هفت آیه است و کوفیون و مکیون بسم الله را حساب کردند، غیر از «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و باقی علماء عکس آن را

نمودند و حسن گفته است هشت آیه است که بسمله و ﴿أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ را نیز به حساب آوردند و بعضی گفتند که شش آیه است که این دو را به حساب نیاوردند و دیگران این سوره را نه آیه خواندند؛ پس اینها بسم الله و ﴿أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ و ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ را حساب کردند. نظریه اول را آنچه احمد و ابوداود، ترمذی، ابن حزمه، حاکم، دارقطنی و غیر از ایشان تخریج نموده تقویت نموده است. از ام سلمه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به این شکل می‌خواند:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾

پس این سوره را آیه جدا کرده و آنرا به اساس اعراب شمرده است و ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را آیه شمرده و ﴿عَلَيْهِمْ﴾ را نشمرده است. دارقطنی به سند صحیح از عبدخیر روایت نموده است که گفته است علی رضی الله عنه از سبع المثانی سوال شد، پس او در جواب گفت: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ سپس گفته شد، اینها شش آیه هستند، سپس او گفت: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ نیز آیه است. «ختم.

مطلب فوق به معنی این است که اختلاف در خصوص موضوع بسم الله از این جهت که او آیه است... با دلایل صحیح در باب اجتهاد قرار گرفته و پیروی از مجتهدین معتبر امر مشروع است...

4- چیزی که بر مصحف داخل شده مانند نقطه‌گذاری، حرکات و علامات موضوعه برای وقف و احکام ترتیل... و یا آنچه در بعضی مصاحف در آخر آن بعضی ادعیه گذاشته شده و یا در حواشی آن تفسیر و شروح گذاشته شده... تمام این مسایل تأثیری در اختلاط قرآن به غیرش ندارد. مسلمانان به قرآن توجه جدی کردند و ملیون‌ها تن آنرا حفظ نمودند و نصوص آن متواتر شده و جای به نظر نمی‌رسد که قرآن به غیر خود خلط و یا بر مردم اشتباه و پوشیده گردد. به همین دلیل، مسلمانان از صدها سال است که بعضی مسایل را که بر قرائت قرآن کریم کمک می‌کند، مثل نقاط، حرکات و غیره داخل کردند و این مسایل هیچ تأثیری بر نص قرآن کریم ننموده، به همین دلیل، دولت خلافت از وجود این حرکات و علامات وقف وارده بر مصاحف را منع نمی‌سازد.

خلاصه این که موجودیت اختلاف نسبت به این که بسم الله آیه از فاتحه است و یا خیر و یا این که عدد آیات سوره فاتحه 6 است و یا 7؟ یا این که آهسته خوانده شود و یا جهریه؟ تمام این مسایل تأثیری در حفظ قرآن کریم توسط الله سبحانه و تعالی ندارد. مثلاً بسم الله در سوره نمل آیه از قرآن کریم است و قرآن از زمان خلفای راشدین رضی الله عنهم در یک مصحف جمع شده است؛ مانند که در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم نوشته شده است و مثل که آن را از رسول الله صلی الله علیه و سلم آموختند و الله سبحانه و تعالی راست فرموده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر آیه: 9)

ترجمه: بی تردید ما خود این ذکر را نازل کردیم و مسلماً نگهدار آن نیز هستیم.

امیدوارم در همین حد کفایت کند.

برادران عطاء ابن خلیل ابوالرشته

26 ذوالقعدة 1443 ه.ق.

مترجم: مصطفی اسلام